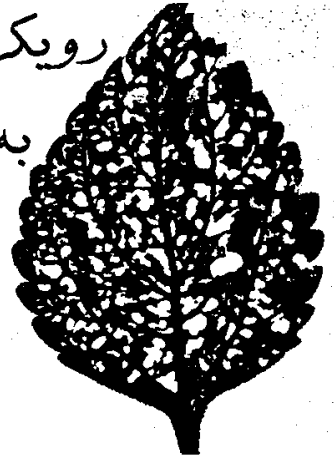


رویکرد اسلام به بسترهای پیدایش آسیب‌های اجتماعی



مریم شفیعی

چکیده

دین اسلام براساس شناخت ماهیت انسان و توجه به ابعاد گوناگون شخصیت وی و با آگاهی از تمایلات درونی و خواسته‌های ذاتی و طبیعی انسان، اهداف و ارزش‌هایی برای او ترسیم می‌کند و در تبیین کجروی، عوامل متعدد فردی و اجتماعی، حتی فیزیکی و متافیزیکی را دخیل می‌داند. اسلام علاوه بر تأکید داشتن بر شخصیت و ویژگی‌های روانی انسان، به نقش عوامل اجتماعی نیز در بروز ناهنجاری‌ها، عنایت ویژه داشته و همگان را به توجه در این زمینه‌ها فرا می‌خواند. در این نوشتار به بعضی از علل اجتماعی که سبب انحرافات انسان می‌شود و در متون اسلامی نیز فراوان مورد سفارش قرار گرفته اشاره شده است. از قبیل: هم‌نشینی با افراد منحرف، نقش متفکران و اندیشمندان در جامعه و کاهش نظارت اجتماعی. وارثان کلیدی: اسلام، عوامل اجتماعی، ناهنجاری، هم‌نشینی با منحرفین، متفکران جامعه، نظارت اجتماعی.

مقدمه

قرآن کریم که عهده‌دار هدایت انسان و راهنمایی او برای رسیدن به ارزشها و فضیلت‌ها

پیشگام سال شانزدهم

است، از یک سو ضد ارزشها و ناهنجاری‌ها را بیان فرموده و از سوی دیگر زمینه‌ها و عوامل آن را تشریح کرده است.

در تبیین کجروی نظریه‌های متفاوتی وجود دارد که هر یک از نظر خاصی به بررسی آن پرداخته‌اند. به تعبیر «گیدنز» هر یک از این رویکردها به درک برخی از جنبه‌های جرم یا بعضی از انواع آن کمک می‌کند.^۱

هر نوع نظریه‌ای در باب کنترل اجتماعی، مرهون نوع نگاهی است که یک محقق در تبیین وقوع کجروی دارد، لذا جامعه‌شناسان به تناسب نظریه‌ای که در باب علت وقوع کجروی دارند، می‌کوشند تا راهکارهایی جهت کنترل اجتماعی آن نشان دهند.^۲ به عنوان نمونه به برخی از نظریه‌های کجروی و کنترل اجتماعی اشاره می‌شود:

۱. عدم معیار صحیح در گزینش افراد؛ بر طبق این نظریه در کنترل کجروی، «باید افراد مستعد کجروی را قانع کرد که دست کم مضرات این گونه رفتارها از منافع احتمالی آنها بیشتر است». همچنین در این رویکرد، بر مقابله با فرد از طریق مجازات، جهت بازدارندگی و پیشگیری از جرم تأکید می‌شود.^۳

۲. انحراف در شخصیت و ابعاد درونی افراد؛ در نتیجه تنها راه کنترل و درمان، حل نمودن مشکلات درونی فرد از طریق مشاوره‌های مختلف، چه قبل از ارتکاب جرم و چه بعد از آن می‌باشد.^۴

۳. گسسته شدن افراد طبقات فرودست جامعه از نظام ارزشی و هنجاری مرسوم جامعه؛ بر حسب این تئوری، شیوه کنترل اجتماعی، در راستای برخوردار ساختن این افراد از فرصت مشارکت در منافع عمومی جامعه و اعطای کمک‌های مالی از طریق نهادهای بهزیستی و غیره می‌باشد.^۵

۴. ضعف کنترل اجتماعی؛ افرادی مثل «تراویس هرشی»، روابط چهارگانه ذیل را برای تقویت کنترل اجتماعی پیشنهاد می‌کنند:

- ایجاد علاقه و توجه به افراد مهم بین اعضای گروه؛

- ایجاد احساس تعهد افراد در مقابل صرف هزینه‌هایی که در جامعه شده است تا

احساس هم‌نواایی بیشتری ایجاد گردد؛

- مشغولیت و مشارکت دائمی افراد در فعالیت‌های بهنجار و غیر انحرافی؛

عوامل انحرافات از منظر اسلام

با ملاحظه آیات قرآن می توان نسبتی که بین انسان و انحراف ایجاد می شود را به سه دسته ذیل تقسیم نمود:

(۱) آیاتی که بر تأثیر شخصیت، ویژگی های روانی و نقش زمینه های ژنتیکی و غریزی در وقوع انحرافات اجتماعی دلالت دارند.

(۲) آیاتی که تأثیر عوامل فیزیکی و متافیزیکی را در کجروی تأکید می کنند.

(۳) آیاتی که بیانگر تأثیر عوامل و زمینه های اجتماعی در کجروی می باشند.

۱. شخصیت و ویژگی های روانی

انسان از حقیقتی به نام «روح» یا «من» برخوردار بوده که شخصیت وی را تشکیل می دهد. این حقیقت دارای قوا و نیروهای متعددی است که مهمترین آنها چهاره قوه «عقل»، «وهم»، «غضب» و «شهو» می باشد.^۷ رفتار انسان به چگونگی شخصیت او بر می گردد: قل کل يعمل علی شاکلته (اسراء، ۸۴/۱۷)؛ بگو هر کس طبق سرشت و شخصیت خود عمل می کند.

اثبات محوریت شخصیت انسان و استقلال او در گزینش و انتخاب رفتار، از اصول مسلمی است که بسیاری از آیات به وضوح بر آن دلالت دارد. مثلاً آیاتی که مسئولیت عواقب رفتار آدمی را متوجه خود او می داند و به طور طبیعی نقش استقلالی او را در شکل دهی رفتار خویش، امری مسلم لحاظ می کند:

من عمل صالحاً فلنفسه و من أساء فعلیها (نصلت، ۴۱/۴۶)؛ هر کس رفتار شایسته انجام دهد به نفع خود و هر که عمل زشت انجام دهد، به ضرر خویش انجام داده است. من يعمل سوءاً یجز به (نساء، ۴/۱۲۳)؛ هر کس کار ناشایست انجام دهد، به همان جزا داده شود.

از سوی دیگر نفس آدمی دارای قوا و نیروهای درونی است که هر یک در سامان دادن شخصیت و رفتار او نقش چشمگیری دارند. یکی از این نیروها، عقل است. بکارگیری این قوه باعث بیداری و بهنجاری آدمی است. قرآن کریم با توییح افراد نابهنجار، سعی می کند، توان عقلانی و خردمندی آنها را در نظارت بر رفتار خود تحریک کند:

أف لكم و لما تعبدون من دون الله أفلا تعقلون (انبیاء، ۲۱/۶۷)؛ اف بر شما و بر معبودهایی که به غیر از خدا دارید، آیا عقل خود را به کار نمی اندازید.

مقصود از عقل، همان عقل حسابگری نیست که صرفاً در پی سود و زیان مادی باشد، بلکه مراد، عقل درونی انسان، قوه خشم و غضب است. این نیرو هرگاه با کنترل و نظارت عقلانی انسان تعدیل نشود، چه بسا منشأ بسیاری از هنجاری ها و کنش های پرخاشگرانه می شود:

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیة حمیة الجاهلیة (نح، ۴۸/۲۶)؛ آنگاه که کافرین آتش غضبی از نوع جاهلیت را در دل های خود افکندند.

از دیگر قوای درونی انسان شهوات است، رهایی و عدم تربیت آن می تواند، بسیاری از اصول ارزشی را قربانی اشباع نیازهای خود نماید:

و یرید الذین یتبعون الشّهوات أن تمیلوا میلاً عظیماً (نساء، ۴/۲۷)؛ و کسانی که از شهوات پیروی می کنند، خواهان انحرافی بزرگ (هتک نوامیس و حدود الهی) هستند.

بنابراین با توجه به استعداد، نیرو و شخصیت آدمی نمی توان به بهانه تأثیرگذاری فرد از جامعه و اجتماعی بودن رفتار او، چنین هویتی را در کنش های اجتماعی مورد تردید قرار داد. فراتر از فشارهای هنجاری و ساختاری جامعه، عاملی تعیین کننده در رفتار فرد وجود دارد که کاملاً فردی است، هر چند تربیت و شکل گیری آن تحت تأثیر عوامل مختلف وراثتی، طبیعی و اجتماعی است، این چیزی جز شخصیت انتخابگر و گزینش کننده انسان نیست.

درباره تأثیر ویژگی های ژنتیکی در کجروی شاید آیات صریح و روشن نباشد، اما از برخی از آنها مانند: ... و لا یلدوا إلا فاجراً کفّاراً (نح، ۷۱/۲۷)؛ و جز فرزندان پلیدکار ناسپاس نزنایند. چنین برداشت می شود. از روایات معصومین (ع) سفارش هایی در زمینه های مختلف از قبیل غذا، مال حلال، انتخاب همسر و توجه به نسل و نظارت آن آمده است، می توان تأثیر آنها را در وراثت و تأثیر وراثت در شخصیت و رفتار فرد را به خوبی استدلال نمود.

۲. عوامل فیزیکی و متافیزیکی

مقصود از عوامل فیزیکی، امور مادی است که بیرون از روح و روان فرد بوده، ولی از طریق تأثیر در شخصیت انسان، مؤثر در رفتار انحرافی می شود. عوامل مادی و فیزیکی

مزبور را از دو جهت کمیت و کیفیت می توان مورد بررسی قرار داد:

الف) افزایش یا کمبود کمی عوامل مادی مثل خوراک، پوشاک، مسکن و... در سوق دادن روان و شخصیت فرد به ناهنجاری مؤثر می باشد: **كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّا** استغنی (علق، ۶۷/۹۶)؛ همانا انسان (شکر نعمتهای الهی را به جای نمی آورد، بلکه) بنای سرکشی پیش می گیرد، چون خود را بی نیاز از خدا می بیند.

افراط در تنوع طلبی و غرق شدن در مال اندوزی و به تبع آن فراموش کردن وظایف مربوط به مال و ثروت، کمترین آسیب هایی است که از زراندوزان و دل سپردگان به تکاثر اموال پیش بینی می شود:

مَنَعَ لِلْخَيْرِ مَعْتَدٌ أَثِيمٌ. عَتَلَ بَعْدَ ذَلِكَ رَنِيمٌ. إِنَّ كَانَ ذَامَالًا وَبَنِينًا. إِذْ تَلَّى عَلَيْهِ آيَاتِنَا قال أساطير الأولین (نمل، ۶۸/۱۲-۱۵)؛ مانع خیر، متجاوز، گناه پیشه - گستاخ گذشته از آن، زنازاده - به صرف این که مال و پسر دارد، چون آیات ما بر او خوانده شود، گوید: افسانه های پیشینیان است.

فقر و کمبود امکانات مادی هم از زمینه های کجروی است، لذا قرآن کریم کسانی را که در شرایط سخت مالی و اقتصادی، هنگام بیماری و جنگ، خود را کنترل می کنند و صبر و مقاومت پیشه می گیرند، می ستاید. از این بیان قرآن چنین برمی آید که در چنین شرایطی، زمینه بروز کجروی در انسان موجود می باشد:

وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا... (بقره، ۱۷۷/۲)؛ کسانی که در فقر و بیماری و هنگام جنگ، صبر و مقاومت پیشه می کنند، آنها راستگویند.

روایات معصوم^(ع)، مملو از چنین مضامینی است. در روایتی از امیرالمؤمنین^(ع) نقل شده که: **العسر یفسد الاخلاق؛^۸ تنگدستی مایه های اخلاق را فاسد می کند.**

ب) بعضی از عوامل مادی، دارای کیفیت و ویژگی خاصی است که در شرع از حرمت و ممنوعیت برخوردار است: **وَالَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ (بقره، ۲۷۵/۲)؛** کسانی که رباخوارند، (در زندگی خود) برنمی خیزند، مگر به مثل فردی از مس شیطان دیوانه شدن (و اموراتش مختل گشته) است.

قرآن کریم در توصیف یهودیانی که به انواع انحرافات مبتلا بودند، می فرماید: **أَكَاوَلُونَ**

للسَّحْتِ (مائده، ۴۲/۵)؛ بسیار حرام خوار بودند. این هشدار عمیقی است برای کسانی که غذای حرام می خورند. علاوه بر پدیده های فیزیکی، برخی عوامل متافیزیکی و غیر محسوس هم در تسهیل و تسریع کجروی تأثیر بسزایی دارند. قرآن از موجودی حقیقی (نه توهمی یا اسطوره ای) به نام «شیطان» یاد می کند که به خاطر دشمنی با فرزندان آدم^(ع)، از طرق مختلف مثل زینت دادن بدی ها، وعده و وعیدهای کاذب، وسوسه، تحریک و سرانجام با تسلط و ولایت بر انسان او را به انحراف و کجروی می کشاند: **الذی یوسوس فی صدور الناس (ناس، ۵/۱۱۴)؛** شیطانی که در دل های مردم وسوسه می کند.

الشیطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء (بقره، ۲۶۸)؛ شیطان به شما وعده فقر می دهد (تا از اتفاق بازتان دارد) و به زشتی ها وادارتان می کند.

عوامل و زمینه های اجتماعی

موقعیت ها، شرایط و عوامل مؤثر در کجروی از اهمیت ویژه برخوردار می باشند زیرا این متغیرها از مهمترین عوامل یادگیری و جامعه پذیری انحراف می باشد.

۱. جامعه پذیری

«جامعه پذیری^{۱۰} فراگردی از کنش متقابل اجتماعی است که شخص از طریق آن، شیوه زندگی جامعه اش را ملکه ذهن خود می سازد و شخصیت به دست می آورد.»^{۱۱} در فرآیند جامعه پذیری سه نظام اساسی با یکدیگر کنش متقابل دارند: نظام اجتماعی، فرهنگی و روانی. نظام اجتماعی الگوهایی ثابت از کنش متقابل را براساس ارزشها و باورهای جمعی پدید می آورد و به نوبه خود شخصیت فرد را اجتماعی می کند. چنین فرآیندی، جامعه پذیری یا درونی کردن ارزشهای اجتماعی را به ارمغان می آورد.

هرگاه افراد ارزش های منتهی به انحراف را بیاموزند و آنها را درونی کرده، در مقام کنش و رفتار همان را انجام خواهند داد. جامعه پذیری ارزش های انحرافی از طرق مختلف، همچون زندگی کردن در مرحله های بزهکاری و ارتباط برقرار کردن با آنها صورت می گیرد، یادگیری این ارزشها از طریق فرآیند کنش متقابل با دیگران انجام می شود، همان گونه که «شاو و ساترلند» بیان نموده است.^{۱۳} البته مشروط بر این که ارزش های آن نواحی یا افراد به فرد منتقل شده و شخص آن را پذیرفته و مبنای عمل قرار دهد.

هر فرد با فرآیند جامعه پذیری مواجه می شود و از آن طریق، شیوه های رفتاری را می آموزد. هرگاه جامعه پذیری ارزشها و هنجارهای جامعه اسلامی به خوبی انجام نگردد، یا به جای آن ارزشها و هنجارهای دیگری که ناهماهنگ با آنها باشد، صورت پذیرد در نتیجه زمینه کجروی فراهم شود.

جامعه پذیری طی مراحل مختلف سنی، خصوصاً کودکی و نوجوانی و نیز در موقعیت های گوناگون اجتماعی نظیر خانواده، گروه های همسال، دوستان، مدرسه و نظایر آن انجام می پذیرد. بدیهی است که نقصان جامعه پذیری ارزشهای اسلامی در هر یک از مقاطع و موقعیت ها به معنی یادگیری، و جامعه پذیری نوعی از انحراف اجتماعی یا دست کم عدم همنوایی با آداب و رسوم و هنجارهای جامعه اسلامی می باشد.

قرآن کریم به آموزش و جامعه پذیری کودکان در کانون خانواده، توسط والدین توجه شایانی دارد. نمونه هایی از این رویکرد را در سوره اسراء آیات ۲۳ و ۲۴ و سوره لقمان آیات ۱۳ تا ۱۹ می توان مشاهده کرد. مطابق این آیات، خانواده جایگاه ظهور خداپرستی، فروتنی، خیرخواهی، پرهیز از تندخویی و خشونت می باشد. هرگاه چنین آموزشهایی در فرد درونی نشود و ارزشهایی برخلاف آن شکل گیرد، در این حال رفتار انحراف در یک بستر پرجاذبه ای به نام خانواده به وجود آمده و به متن جامعه کشیده خواهد شد.

وإذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا عليها آياتنا (اعراف، ۲۸/۷)؛ و هرگاه کار زشتی انجام دهند، گویند: پدرانمان را چنین یافتیم.

مطابق آیه شریفه فوق، هر چند منحرفین این بهانه را برای مشروعیت دادن به رفتار خود ذکر کردند، ولی قرآن اصل تأثیرپذیری را نفی نکرده، بلکه تنها در آیات مشابه دیگری این هشدار را به آنها می دهد، آیا اگر پدرانتان جاهلانه این کار را مرتکب می شدند، باز هم از آنها پیروی می کردید؟!

انحراف در خانواده علاوه بر تأثیرگذاری روی فرزندان، هر یک از همسران را هم به سویی کجروی و ناهنجاری می کشاند. به عنوان نمونه، در قرآن کریم ضمن منع ازدواج با مشرکین، حکمت آن را این گونه بیان می دارد: أولئك يدعون إلى النار (بقره/۲۲۱)؛ آنها شما را به آتش (جهنم) فرا می خوانند. یعنی آنها با عقاید، اخلاق و رفتار انحرافی خود، شما را

به شرکت و شقاوت دعوت می کنند، پس برای نجات خود، از معاشرت و ازدواج با آنها پرهیز کنید. ۱۴

علاوه بر خانواده، همنشینی با افراد و گروه های منحرف هم از زمینه های مؤثر کجروی است. مکانیزم تأثیرپذیری این عوامل بیشتر از رهگذر عواطف، انس و الفت با هم نشین انجام می گیرد. قرآن کریم حساسیت لازم را در این رابطه بکار برده و روابط و عواطف فرد را به گونه ای تنظیم می نماید تا زمینه یادگیری انحراف فراهم نیاید. مثلاً قرآن کریم بالاترین و عمق ترین سطح روابط را که از آن به رابطه «ولایی» یاد می کند، منحصر به رابطه با خدا، رسول و مؤمنین می نماید و چنین مصاحبتی را با بیگانگان از شریعت اسلام نمی پسندد. تأثیرپذیری از این رابطه آن قدر شدید و عمیق است که قرآن آن را مایه همانندی و یکنواختی می داند: و من يتولهم فانهم فانه منهم (مائده، ۵۱/۵)؛ هر کس از شما با ایشان (یهود و نصاری) پیوند ولایی و دوستی برقرار کند، پس هر آینه از آنها خواهد بود. هرگاه ارتباط با افراد منحرف کمتر از رابطه ولایی باشد و فقط در حد مصاحبت و همنشینی بوده باشد، باز هم خطرناک و زمینه ساز انحراف می گردد، خصوصاً اگر این همنشینی در زمان ارتکاب ناهنجاری باشد. لذا از همنشینی با منافقینی که در حال استهزاء آیات الهی اند، مسلمانان و مؤمنین را برحذر داشته و می فرماید:

إنکم إذا مثلهم (نساء، ۱۴۰/۴)؛ و شما در این شرایط (اگر هم نشین آنها شوید) مثل ایشان خواهید بود. همنشینی و مصاحبت با هر منحرفی ممکن است زمینه ساز کجروی باشد. یا ولتی لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً. لقد أضلنی عن الذکر (فرقان، ۲۸/۲۵)؛ وای بر من، کاش فلانی را به دوستی برنمی گزیدم، همانا او مرا از ره آورد انبیاء منحرف کرده است. آیه فوق یکی از صریح ترین آیاتی است که مصاحبت در حد رفاقت و صمیمیت با کجروان را سبب انحراف انسان می داند.

۳. ناهنجاری نخبگان و گروه مرجع

مراد از نخبگان، «تمامی کسانی هستند که دارای خصوصیات استثنایی و منحصر به فرد بوده و یا دارای استعداد و قابلیت های عالی در زمینه کار خود و یا در بعضی فعالیتها باشند». ۱۵ منظور از گروه های مرجع، کسانی هستند که فرد در شکل دهی و ارزیابی رفتار خود، معیارهای ارائه شده توسط آنها را ملاک قرار می دهد. ۱۶ به عبارت دیگر: «گروه

مرجع گروهی است که افراد خود را با آن مقایسه و با استانداردهای آن، خود را ارزیابی می‌کنند.^{۱۷}

علما و اندیشمندان دینی در جامعه اسلامی از جایگاه و نقش ویژه ای برخوردار می‌باشند. آنها معمولاً برای بسیاری از افراد و گروهها به عنوان مرجع محسوب می‌شوند. نقش آنها ابلاغ، انذار، توضیح و تبیین پیام وحی است. هرگاه برخی از این گروه به وظایف و نقش های خویش عمل نکنند یا خود گرفتار انحراف و کجروی شوند، تأثیر چشمگیری در کجروی افراد، خواهند داشت. وقتی نخبگان جامعه به مسئولیت خویش عمل نکنند یا خلاف آن را مرتکب شوند، عینیت اجتماعی ارزشها و هنجارهای جامعه اسلامی در معرض آسیب قرار می‌گیرد. چه بسا افرادی که با توجه به رفتار برخی از نخبگان بسوی انحراف تشویق می‌شوند یا دست کم رغبتی به ارزشها و هنجارهای جامعه اسلامی از خود نشان نمی‌دهند. قرآن براساس چنین تأثیری از ناحیه نخبگان کجرو، آنها را به شدت مورد مذمت قرار می‌دهد: *إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَيْنَاهِ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ* (بقره/۱۵۹)؛ همانا کسانی که آیات و نشانه‌های روشن و مایه هدایت را که فرستادیم و بعد از آن که در کتاب برای مردم بیان کردیم مخفی می‌کنند، خدا و لعنت کنندگان بر آنها لعنت می‌کنند.

آیه فوق نشان دهنده انجام ندادن مسئولیت دینی از سوی علما و نخبگان دینی در اظهار حقایق مکتب است که قهراً آسیب آن، گمراهی و انحراف جامعه خواهد بود. همچنین قرآن کریم علما و نخبگان اهل کتاب را به جهت سوء استفاده از منزلت اجتماعی خود و فرورفتن در انحرافات اقتصادی، به عذاب دردناک تهدید نموده و آسیب چنین منحرفینی را بازداشتن مردم از راه خدا معرفی می‌کند.^{۱۸}

متون مقدس اسلامی با تمثیلات و نیز با بیان واقعیات تاریخی، الگوهای انسانی، زمینی و در عین حال، بلندمرتبه را در پیش دیدگان انسان‌ها قرار می‌دهند که این امر نشانگر این واقعیت است که نیل به زندگی انسانی و الهی به هیچ وجه، دور از دسترسی نیست و آدمی با همه نقاط ضعف و قوتش و با همه امکانات و محدودیت‌هایش و با همین ابزارهای مادی و سازوکارهای دنیایی می‌تواند سعادت خود را تأمین و تضمین نماید. چنانکه بنا به تعالیم دینی، در همه اعصار و قرون و با وضع و حالت‌های متفاوت و

متنوع، انسان‌های بسیاری بوده‌اند که دامن نیالوده‌اند و حریم‌ها را نشکسته‌اند و راه درست را گم نکرده‌اند.

الگوهای دینی علاوه بر آن که خوب بودن و خوب ماندن را کاملاً عملی و شدنی نشان می‌دهند، این فایده و بهره را نیز می‌رسانند که در راه کمال، باید از مبنا قرار دادن افراد سست ایمان یا مدعیان دینداری پرهیز شود.

برای نشان دادن مؤثر و کارآمد بودن آموزه‌های دینی و تربیت‌های ایمانی باید همان الگوها و در مرحله بعد، توده مؤمنان را مبنا قرار داد، نه افراد و جوامعی را که فقط رسم و نام دین را دارند و هرگز به عمق تعالیم دینی راه نیافته‌اند و حقیقت دین را در زندگی خود و در اعماق جان خود راه نداده‌اند. باید توجه داشت اگر احیاناً وسوسه‌های اغواکننده سراغ آدمی بیاید که گویا «راستی» و «درستی» دست یافتنی نیستند یا آنان که راه نیک پیموده‌اند در شرایطی کاملاً مساعد و هموار بدین منزلت نائل آمده‌اند یا از عنایات ویژه غیبی برخوردار بوده‌اند، بهترین سد منیع در برابر این وسوسه‌ها الگوهای ارائه شده در متون مقدس می‌باشند که بی‌پشتوانه بودن، آن ساخته‌های ذهنی و القائات شیطانی را نشان می‌دهند.

از طرف دیگر آنجا که آدمی را از درون هشدار دهنده‌ای هست و فرمان‌ها را نه از بیرون که از خویشتن خود می‌داند و در هر لحظه و هر مکانی با مراقبی درونی و همیشگی روبروست طبعاً کمتر به انحرافات می‌گراید. لذا اگر وعظ‌کننده و اندرز دهنده‌ای از درون نباشد، اندرزهای دیگران به او سودی نخواهد بخشید.

قرآن کریم در موارد متعددی از شخصیت‌های ممتاز نام می‌برد و موحدان و مؤمنان را به پیروی از آنها دعوت می‌نماید: *وَلَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ* (احزاب، ۲۱)؛ همانا در رسول خدا، الگوی نیکویی برای شما هست. *وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفِينَ الْأَخْيَارِ* (ص، ۴۷/۳۸)؛ خداوند متعال بعد از ذکر نام برخی از انبیاء(ع) از مجموعه این گروه به نام «نیکان برگزیده» یاد می‌کند. این الگوهای ارزشی دارای چنین ویژگی هستند: *أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ...* (ص/۴۵)؛ آنها صاحبان قدرت (در عبادت) و بصیرت بودند.

گروه مرجع و الگوهای ارزشی از دیدگاه قرآن کسانی هستند که در شناخت، معرفت و نگرشها، اهل بصیرت‌اند (أولی الأبصار) و از جهت اعتقادی و عملی به «حق» واصل می‌شوند و در عبادت خدا و رساندن خیر به دیگران دارای قدرت‌اند. (اولی الایدی)^{۱۹}

از دیدگاه اسلام، زندگی و سیره عملی امامان معصوم(ع) نیز به عنوان بهترین الگو و سبیل تبعیت و پیروی قلمداد می شود و بیشترین هنر و شیوه سالم زیستن و دوری از انواع آلودگیهای نظری و عملی در این است که به راه و روش آنان اقتدا شود.

۳. کاهش نظارت و کنترل اجتماعی

مفهوم کنترل اجتماعی^{۲۰} را یکی از جامعه شناسان آمریکایی به نام «ادوارد آ. اس» در واژگان جامعه شناسی وارد نمود و مراد وی از این اصطلاح، تمام فرآیندهایی است که موجب واداشتن افراد به همنوایی از هنجارها و ارزش های جامعه می شود (از قبیل قانون جزاء، پلیس، دادگاه، زندان، مذهب، هنر، آموزش و پرورش، افکار عمومی).^{۲۱} در تعریف کنترل اجتماعی بین جامعه شناسان اتفاق نظر وجود ندارد، زیرا برخی به گونه ای آن را تعریف کرده اند که شامل جامعه پذیری هم می شود، در حالی که برخی دیگر مفهوم آن را محدودتر بیان داشته، به طوری که از جامعه پذیری متمایز می شود.^{۲۲} طبق معنای عام، کنترل اجتماعی به معنی «مجموعه وسائل و شیوه هایی است که با استفاده از آنان، یک گروه یا یک واحد، اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها، قواعدی در سلوک و حتی آداب و رسوم منطبق با آنچه گروه مطلوب تلقی می کند، سوق می دهد». ^{۲۳} در این جا لازم است در مورد همبستگی اجتماعی و نسبت آن با میزان کنترل اجتماعی نکاتی ذکر شود:

همبستگی اجتماعی نشان دهنده پدیده یا حالتی اجتماعی است که در آن اعضای یک گروه یا جامعه به یکدیگر وابسته اند و نیاز متقابل به یکدیگر دارند. ^{۲۴} همچنین همبستگی اجتماعی متضمن آگاهی و احراز از ارزشهای اخلاقی و احساس التزام متقابل است. ^{۲۵} هر قدر همبستگی اجتماعی بیشتر باشد، فریضه الهی «امر به معروف و نهی از منکر» بیشتر محقق خواهد گردید: **والمؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر** (توبه، ۷۱/۹)؛ در جای دیگر خداوند متعال سفارش اکید می نمایند که مؤمنین باید به صورت جمعی و همه جانبه به سوی دین روی آورند و این نهایت درجه همبستگی را ایجاد می کند: **یا ایها الذین آمنوا أدخلوا فی السلم كافة** (بقره/۲۰۸)؛ در اسلام فراتر از همه وابستگی های نژادی، ملی، حزبی و غیره، نوعی ارتباط و وابستگی دینی و ایمانی وجود دارد که همه افراد را در جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر مسئول قلمداد

می کند. این مسئولیت به دنبال خود نظارتی فراگیر در جامعه ایجاد کرده و پیشگیری از کجروی را تضمین می کند.

اسلام از طریق عناصری چون «امر به معروف»، «نهی از منکر»، «تولی»، «تبری» همگان را به حفظ شرایط و هنجارهایی خاص، مسئول یکدیگر قرار داده تا مبادا ارتکاب ناهنجاری در جامعه به سهولت انجام پذیرد.

اگر روابط اجتماعی به گونه ای باشد که اجازه کجروی را به افراد بدهد و آنها با کمال بی تفاوتی شاهد ناهنجاری یکدیگر باشند، چنین ساختار ناسالمی آمادگی برای هر نوع کجروی را دارد، لذا قرآن کریم امت های پیشین را مورد مذمت قرار می دهد که چرا از فساد و منکرات جلوگیری نکردند، تا مانع از عذاب الهی شوند. ^{۲۶} دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، مطابق برخی از آیات قرآن کریم رسالت سنگینی است که بر دوش افراد گروههای جامعه اسلامی است. ضعف و سستی در انجام آن، کل سیستم و ساخت اجتماعی را بیمار نموده، نتیجه آن، ارتکاب علنی ناهنجاری است.

۵. تعارض فرهنگی

یکی از عوامل مؤثر در انحرافات اجتماعی، تعارض فرهنگی است که نتیجه فشار ساختاری در جامعه می باشد. انسان با ارزش های خاصی که از خانواده و امثال آن کسب نموده، زندگی می کند، وقتی با فرهنگ های دیگر آشنا شود، چه بسا ارزش هایی ناهمگون با ارزش های وی در مقابلش قرار گیرد. ارزش ها و هنجارهایی که با مجموعه فرهنگی که وی در آنجا زندگی می کند، ناسازگار است. در چنین شرایطی اگر فرد بخواهد، فرهنگ جدید و ارزش هایش را بپذیرد و از آن جامعه یا گروه منزوی نگردد، چاره ای جز قبول هنجارهای آن نمی بیند، هرچند مخالف ارزش های سنتی خودش باشد و در این مرحله کجروی شکل می گیرد.

جوان مسلمانی که با هنجارهای نوینی در میان گروه دوستان خود مواجه می شود. (در آداب معاشرت و کیفیت زندگی، نوع سرگرمی و تفریح، نحوه لباس و آرایش و...) هرگاه آنها را با سیستم فرهنگی و سنتی خود مقایسه می کند، چه بسا آنها را در تعارض و ستیز ببیند، در نتیجه اگر بخواهد ارزشهای سنتی و فرهنگی خود را حفظ کند، چاره ای جز فاصله گرفتن از هنجارهای نوین ندارد و این به معنای منزوی شدن از گروه دوستان است.

در هر صورت نسبت به هر طرف که گرایش پیدا کند، از نظر طرف مقابل، منحرف تلقی خواهد شد. ایجاد تعارض فرهنگی در جامعه از مهمترین زمینه‌های انحطاط فرهنگی است، لذا دشمنان جامعه اسلامی با تهاجم وسیع و همه جانبه فرهنگی تلاش می‌کنند تا با ایجاد ذائقه‌های جدید، گروه‌هایی را پرورانند و از طریق آنها فرهنگ و ارزشهای مورد نظر خود را دامن زده و فرهنگ‌های متعارض را در جامعه اسلامی ایجاد کنند. وقتی که فرهنگ وحیانی به طبقه اشراف و نخبگان قدرت و ثروت عرضه می‌شد، آنها به جای تجدید نظر در فرهنگ و رفتار خود، به بهانه این که بردگان و تهی‌دستان اطراف پیامبر اکرم (ص) جمع شده‌اند، لذا از اطاعت ایشان سرباز زده و می‌گویند: **قالوا أنؤمن واتبعک الارذلون** (شعراء، ۲۶/۱۱۱)؛ گفتند: آیا به تو ایمان آوریم، در حالی که افرادی فرومایه پیرو تو هستند.

گاهی معاندین با ارزش‌های اسلامی، مؤمنین را صریحاً به پیروی از خویش و دست کشیدن از آیین و آرمان اسلامی دعوت می‌کنند و طبیعی است، در اثر فشار اجتماعی افراد سست ایمان که هنوز ارزش‌های اسلامی در درون آنها رسوخ نکرده است، آنها را به انحراف بکشاند: **و قال الذین کفروا للذین آمنوا إتبِعوا سبیلنا و لنحمل خطایا کم** (عنکبوت، ۲۹/۱۲)؛ و کافرین خطاب به مؤمنین گفتند: از روش ما پیروی کنید و ما عهده دار گناهانتان خواهیم بود.

بنابراین از آنجا که اسلام به ریشه تمام انحرافات آگاهی داشته و نابسامانی‌های اخلاقی را با توجه به روحیات و چگونگی شکل‌گیری شخصیت او، شناسایی کرده و از آنجا که: **إن هذا القرآن یهدی للئی هی أقوم** (اسراء، ۹/۱۷)؛ همانا این کتاب به استوارترین راه، هدایت می‌کند. می‌توان نتیجه گرفت که بهترین راه تربیت و تهذیب افراد و متفوق‌ترین شیوه حفظ و کنترل جامعه از کجروی‌ها، بهره‌گیری از قرآن کریم است، زیرا فقط قرآن است که به استوارترین راه، هدایت می‌کند. شریعت اسلامی که برخاسته از «ثقل اکبر» یعنی قرآن کریم و ثقل اصغر یعنی «اهل بیت» است، چنین رسالتی را بر دوش می‌کشد.

۱. ر.ک: گیدنز، جامعه‌شناسی/۱۴۶.
۲. ر.ک: سلیمی، داوری، جامعه‌شناسی کجروی/۵۹۸.
۳. همان/۶۰۵.
۴. همان/۶۱۰.
۵. همان/۶۱۵.
۶. رابرتسون، درآمدی بر جامعه/۱۷۷-۱۷۵.
۷. ر.ک: نراقی، جامعه‌السعادات، ۲۸/۱.
۸. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غررالاحکم/۳۶۵.
۹. ر.ک: قرائتی، گناه‌شناسی/۸۰.
۱۰. Socialization.
۱۱. کوشن، درآمدی به جامعه‌شناسی/۷۴.
۱۲. ر.ک: جامعه‌شناسی کجروی/۴۳.
۱۳. ر.ک: کوزر و روزنبرگ، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی/۴۸۳-۴۸۰.
۱۴. ر.ک: طباطبائی، المیزان، ۲۰۵/۲.
۱۵. ر.ک: روشه، گی، تغییرات اجتماعی/۱۱۶.
۱۶. ر.ک: درآمدی به جامعه‌شناسی/۱۹۹.
۱۷. رفیع پور، آناتومی جامعه/۱۳۳.
۱۸. ر.ک: سوره توبه، آیه ۳۴.
۱۹. المیزان، ۲۱۱/۱۷.
۲۰. Social control.
۲۱. ر.ک: جامعه‌شناسی کجروی/۵۸۲-۵۸۱.
۲۲. ر.ک: همان/۵۸۵-۵۸۲.
۲۳. بیروت، فرهنگ علوم اجتماعی/۳۴۸.
۲۴. ر.ک: همان/۴۰۰.
۲۵. ر.ک: همان/۴۰۱.
۲۶. سوره هود، آیه ۱۱۶.